

تظاهرات شورا علیه نشست اعضای پارلمان سوئد

با نمایندگان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

پنجشنبه 4 نوامبر، بدعوت شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران، تظاهراتی در مقابل مجلس سوئد در مین توریت برگزار شد. در این تظاهرات که سه ساعت طول کشید بیش از 150 نفر شرکت داشتند. اعضای شورا از صبح تا ساعت 2 در حرکت‌های پراکنده شرکت کرده بودند.

در طول تظاهرات اطلاعیه انگلیسی شورا میان عابریین توزیع میشد که در آن به مامشات دولت سوئد با جمهوری اسلامی، و منافع تجاری دولت سوئد که به سرکوب سیاسی فعالین کارگری و مخالفین سیاسی در ایران ارجحیت دارد، اشاره داشت. این اطلاعیه در پایان تظاهرات به اطلاع شرکت کنندگان رسید. در طول تظاهرات شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم، زندانیان سیاسی آزاد باید گردند، سفارت جمهوری اسلامی باید بسته شود، دولت سوئد خجالت بکشید که با قاتلین نشستید، و ... سر داده میشد. سیاوش دانشور، قاسم خاک سار، مهرنوش شفیعی و حمید فروتن از جانب شورا، پر اوکه از حزب سوسیالیستهای عدالتخواه سخنرانی کرده یا شعارهای تظاهرات را اعلام نمودند. تریبون شورا مثل همیشه برای سرنگونی طلبان و سوسیالیستها باز بود و تنی چند از شرکت کنندگان در تظاهرات به سخنرانی و اجرای سرود پرداختند.

موضع شورا اینست که نه فقط باید نمایندگان جمهوری اسلامی در سوئد پذیرفته نشوند بلکه سفارت و جاسوس خانه آن بسته شود. سران حکومت اسلامی باید به جرم جنایت علیه مردم در دادگاههای علنی محاکمه شوند. ما نشست و برخاست دولت و اعضای پارلمان سوئد با جنایتکاران و سرکوبگران اسلامی را قویا محکوم میکنیم.

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران / استکهلم

4 نوامبر 2010

در حاشیه تظاهرات روز 4 نوامبر در مقابل مجلس سوئد

حضور معترضان از ساعت هشت صبح مداوما ادامه داشت. گروههای مختلف در نخستین ساعات روز در محل حاضر شده بودند. قرار بود یا آرزو این بود که در صورت امکان از حضور مزدوران

رژیم اسلامی در مجلس سوئد جلوگیری شود. متأسفانه دسترسی به آنها میسر نشد. با این همه اما تظاهرات مداوم از طرف گروه‌های متفاوت تا ساعت‌ها ادامه داشت.

ویژگی های تظاهرات این دوره

ایده همه با هم که قدمتی طولانی در استکھلم دارد آخرین نفس‌های خود را میکشد. همه به یاد می آوریم که طرفداران این ایده مخالف شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بودند. تظاهرات سکوت در همین استکھلم برگزار می‌کردند و از قلم‌های شکسته و دهان‌های بسته برای اعتراض استفاده می‌کردند فقط برای آنکه نگویند مرگ بر جمهوری اسلامی. سال گذشته این ایده به شکل رنگین کمان و سبز و... خود را نشان داد. مرگ بر دیکتاتور رادیکالترین جلوه این همه با همی ها بوده است. اما در تظاهرات روز 4 نوامبر این ایده در شکل هماهنگی همه با هم بروز کرد.

از مشخصات حرکت اخیر این بود که صف بندی ها مشخص تر شده بود و طرفداران جنبش سبز و حتی شیروخورشیدی ها بشدت کم بودند. آخرین توهمات سبز و همه با هم، در اختلاط با حزب کمونیست کارگری و گروه تازه به میدان آمده ای بنام همبستگی کارگران ایران و سوئد که در ائتلاف با سایرین کمیته ای بنام «کمیته تظاهرات» یا چیزی به این نام تشکیل داده بودند نمود یافت. البته این گروه «مدافع جنبش کارگری» قبلاً هم وجود داشته است اما تا کنون و در سال گذشته چنین فراخوان‌هایی نمیداد اینبار تحت عنوان «مقابل» با سکتاریسم تلاش نمود همه را باهم «هماهنگ» کند. ماحصل این هماهنگی کمیته تظاهرات یا چیزی به این نام بود. تعدادی از سبزها در این کمیته حضور داشتند. امید میرفت که نیروهای پراکنده با این سیاست جمع شوند اما در عمل حدود نزدیک بیست نفر که تعدادی از آنها سبز بودند گرد آمده بودند. این رابطه را به این خاطر باید عمده دید که خصلت نمای وضعیت کنونی. نشانه آخرین نفس های ایده همه با هم است زیرا که:

1- سبز تحلیل رفته است و بسیاری از متوهمین از آن و توهم خویش عبور کرده اند.

2- تجربه مردم در این دوران به نسبت اوایل جنبش سبز زمینه همه با هم را هر چه بیشتر خشکانده است.

3- استدلال چپ رفورمیست برای توجیه همکاری با بورژوازی و جناح‌های حکومتی که مدتی در پوشش همکاری با سبز و سلطنت معنا می گرفت، طرفدارانی بسیار کمتر از گذشته دارد.

4 - نوع پوشیده این استدلال که دنبال چپ سبز بود و سبز را در عمومیتش قبول نداشت اینک به کمک گرفته شده است. تا رفورمیسم خود را توجیه کند. بعد از حزب کمونیست کارگری اینک کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد تئوری پرداز این نحل از تفکر در استکھلم است. آنها تحت پوشش اینکه سبز در عمومیتش از میان رفته، خواهان همکاری همه با هم در مقابل رژیم می شوند. آنها از جمله در این رابطه منتقدین مستقیم و غیر مستقیم شورا بودند و از نقد سکتاریسم موجود و به عشق سرازیر شدن «توده‌ها» به صف تظاهرانشان وعده بهشت همه با هم را دادند. مدعی شده بودند که علت اینکه هزاران ایرانی در تظاهرات شرکت نمی کنند سیاست چپ گرا و سکتاریسم شورا یا احزاب و افراد چپ کارگری و سوسیالیست است. این استدلال نیز در استکھلم اقبالی نیافت. و بر تعدادشان که

نیافزود هیچ بلکه موجب فاصله گرفتن چپ کارگری از آنها شد. برای آنها که متوهمند این تجربه بسیار گرانمایی است. شاید وقت آنست که دور «همه با هم» را برای همیشه خط بکشند.

5 - انتخاب آگاهانه در صف بندیها وسعت گرفته است. آزادیخواهان با تامل ، شیوه های اعتراض خود را انتخاب می کنند و زیر بار هر آلترناتیوی به راحتی نمی روند .نگاه به آینده در انتخاب امروز دارد نقش عمده تری می یابد

بدینسان یکبار دیگر درستی خط مشی شورا ثابت شد نه از سوی شورا بلکه از سوی کسانی که منقد شورا و منادی همه با هم بودند. شورا از آغاز اعلام کرده بود که طرفدار همه باهم نیست بلکه همه را تشویق میکند که حول خواسته های خود وتحولات اساسی در ایران گرد آیند. ما به همه کسانی که منقد شورا بوده اند صمیمانه توصیه کرده ایم که خود را متشکل کنند و نظراتشان را در عمل بیازمایند. وبه جای فشار بر شورا که پرنسیپ هایش را زمین بگذارد بسوی تحقق آرمانهای خود بروند . در یک جامعه پیشرفته نمی توان احزاب واندیشه ها وطبقات مختلف را زیر چتر همه با هم سانسور کرد . این ایده می تواند به فاشیسم منجر شود . اما همکاری حول مشترکات اساسی و ملزومات یک انقلاب در ایران وسرنگونی انقلابی رژیم ، خواست وموضوع کار شورا است. آغوش شورا برای همکاری در این زمینه باز است

چیزی مهمتر از این در خصوصیات وضعیت کنونی نمی توان گفت.

در ساعات آخر تظاهرات مثل همیشه چند نفر با پرچم شیروخورشیدو علائم همه با هم به حاشیه تظاهرات وارد شدند . آنها هرکدام بزرگترین پرچم ممکن را با خود داشتند . آنها میدانند که شورا مایل به همکاری با آنها نیست، اما هر بار حاضر شده و در این رابطه جدل میکنند .سیاست شورا تذکر مداوم به آنها است بی آنکه با آنها درگیر شود. تا مادام که شعار ها و برنامه های شورا را مختل نکنند این مدارا قابل تحمل است .

شایان ذکر و آموزنده است: که در آنسوی میدان همزمان مجاهدین تظاهرات داشتند . برای اینکه اختلالی در تظاهرات پیش نیاید توافق کردیم تا زمانیکه ما سخنران داریم آنها سکوت کنند و وقتی آنها سخنران دارند ما سکوت کنیم به اینصورت وقت تا ساعت 3 تقسیم شد و آنها زود تر از آنکه وقتشان تمام شود محل را ترک کردند.

ذکر این مسائل به این خاطر است که گفته باشیم مخالفت های عمیق نظری اگرچه مانع از هرگونه ائتلاف همه با هم است اما مجوزی برای پرخاشگری ودعوای فرقه ای نیست . فرهنگ نویینی لازم است تا برخورد ها سیاسی باشند واستدلالی واختلافات واقعی را به سایه نبرند . نقد ومبارزه واقعی را نباید با دعوی شخصی اشتباه گرفت.

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم





